

واکاوی روابط در حال تغییر اقتصاد چین و جهان



تهیه و تنظیم: مسعود کمالی اردکانی - عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی



چین هم‌اکنون دومین اقتصاد جهان از نظر جذب و ارسال سرمایه خارجی محسوب می‌شود. چین که در سال ۲۰۱۴ از نظر برابری قدرت خرید به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان تبدیل شد، از جنبه مقیاس (و نه ادغام در اقتصاد جهانی)، یک قدرت جهانی محسوب می‌شود.

این کشور در سال ۲۰۱۳ به بزرگ‌ترین کشور در مبادله کالا تبدیل شد. چین در ادغام با اقتصاد جهانی با دستیابی به مقیاس واقعی جهانی به عنوان یک کشور تجارت پیشه پیشرفت کرده است. اما اکنون رابطه چین و بقیه جهان در حال تغییر است. براساس مطالعات موسسه جهانی مک‌کینزی، حضور چین در اقتصاد جهانی از نظر تجاری، فناوری و سرمایه به‌طور نسبی کاهش یافته است و برعکس، حضور جهان در اقتصاد چین افزایش یافته است.

بر اساس تجزیه و تحلیل صورت گرفته از ۲۰ بخش و ۷۳ اقتصاد دنیا، میزان حضور در اقتصاد چین بین بخش‌های اقتصادی و مناطق جغرافیایی متفاوت است. از سال ۲۰۱۵، بخش «مصرف» در ۱۱ تا ۱۶ فصل تجاری بیش از ۶۰ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی چین را تشکیل داده است.

در سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸، حدود ۷۶ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی، ناشی از مصرف داخلی بوده است، اما سهم تجارت خالص در رشد تولید ناخالص داخلی نزولی بوده است. در سال ۲۰۰۸، مازاد خالص تجاری چین به ۸ درصد از تولید ناخالص داخلی رسید در حالی که در سال ۲۰۱۸، این رقم تنها ۱٫۳ درصد تخمین زده شد - کمتر از آلمان یا کره جنوبی - که مازاد تجاری خالص آنها بین ۵ تا ۸ درصد از تولید ناخالص داخلی است.

افزایش تقاضا و توسعه زنجیره‌های ارزش داخلی در چین نیز تا حدودی توضیح‌دهنده دلیل کاهش اخیر در شدت تجارت چین در سطح جهان است. بازار مصرف چین احتمالاً به پستوانه افزایش درآمد، همچنان فزاینده خواهد ماند.

سطح ادغام با جهان در طیف وسیعی از طبقات مصرفی در حال حاضر بالا است. نفوذ شرکت‌های چندملیتی در بازارهای مصرفی چین تقریباً دو برابر نفوذ در بازارهای ایالات متحده است، اما آنها اکنون با کنشگران داخلی

کینزی در سه زنجیره ارزش نشان می‌دهد که کنشگران چینی به سرعت رشد کرده‌اند، اما آنها هنوز واردکننده اجزای حساس «روباتیک»، «وسایل نقلیه برقی» و «نیمه‌هادی‌ها» هستند. - شبیه‌سازی انجام شده نشان می‌دهد که ۲۲ تا ۳۷ تریلیون دلار از ارزش اقتصادی (معادل حدود ۱۵ تا ۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی تا سال ۲۰۴۰) می‌تواند تحت تأثیر تعامل کمتر یا بیشتر بین چین و جهان در پنج حوزه زیر باشد: (۱) رشد واردات (۲) آزادسازی خدمات (۳) جهانی شدن بازارهای مالی (۴) همکاری در مورد کالاهای عمومی جهانی و (۵) جریان فناوری و نوآوری.

تعامل کمتر بین چین و جهان می‌تواند به معنای تعرفه‌های بالاتر، جریان تجارت و فناوری محدودتر و ادامه شکافها در پرداختن به چالش‌های کلیدی جهانی باشد. درگیری بیشتر می‌تواند به معنی واردات بیشتر چین از بقیه کشورهای جهان، جریان‌های دو طرفه بیشتر فناوری و یک بخش خدماتی رقابتی چینی باشد. در هر دو سناریو، ذینفعان مختلف می‌توانند فزای و

نشیب‌ها و تعارض اولویت‌ها را تجربه کنند. - کاهش نسبی حضور چین در اقتصاد جهانی و افزایش حضور اقتصاد جهانی در اقتصاد چین سرمنشأ ارزیابی مجدد این رابطه است. اختلافات تجاری، عناوین روزانه

چینی رقابت می‌کنند. از ۳۰ گروه مصرف‌کننده، شرکت‌های چند ملیتی سهم خود را در ۱۱ گروه از دست داده‌اند. لذا دو جریان، فرصت‌های بیشتری را برای کنشگران داخلی و خارجی فراهم می‌کنند.

اول، مصرف‌کنندگان چینی که خواستار انتخاب بیشتر و بهتر کالاها و خدمات هستند. دوم، تقاضای روزافزون چینی‌ها به سفر خارج از کشور. در این کشور، سفرهای خارج از کشور از سال ۲۰۱۰ با ۱۳ درصد رشد سالانه به ۱۵۰ میلیون نفر در سال ۲۰۱۸ رسیده است. - از طرفی براساس رتبه‌بندی مجله «فورچون ۵۰۰»، چین دارای ۱۱۱ شرکت جهانی است، اما بیش از ۸۰ درصد این شرکت‌ها از داخل کشور درآمدکسب می‌کنند. همچنین اندازه بازارهای بانکی، اوراق بهادار و اوراق قرضه چین در ردیف سه کشور اول جهان است...

اما بازیگران بین‌المللی به دلیل پیچیدگی‌های عملیاتی و نظارتی، حضور محدودی در این بازارها دارند. زنجیره‌های ارزش فناوری چین در سطح جهانی کاملاً یکپارچه است.

تجزیه و تحلیل صورت گرفته از ۸۱ فناوری در ۱۱ طبقه نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد فناوری‌های مورد استفاده در چین از استانداردهای جهانی پیروی می‌کنند. در عین حال، مطالعه موسسه جهانی مک

بالاخره تجارت دوجانبه کالایی (عمدتاً شامل فروش محصولات پتروشیمی و معدنی و خرید ماشین آلات و تجهیزات الکترونیک) محسوب می‌شود که تقریباً همه این حوزه‌ها تحت تاثیر شرایط تحریم‌های امریکا است و علیرغم اینکه دولتمردان دو کشور روابط دو کشور را راهبردی عنوان کرده‌اند اما روابط اقتصادی و تجاری دو کشور تعمیق نیافته، سرمایه‌گذاری‌های راهبردی در روابط دو کشور دیده نمی‌شود و شرایط سخت تحریم به شدت، بر ادامه فعالیت‌های پیش‌گفته تأثیر گذاشته است. این در حالی است که وابستگی اقتصاد ایران به اقتصاد چین از جنبه تأمین مواد اولیه و ماشین آلات تولید، تأمین سرمایه و نقدینگی طرح‌های صنعتی و معدنی و بالاخره خرید نفت و سایر کالاها به خصوص در شرایط سخت کنونی در حال افزایش است. به نظر می‌رسد در حال حاضر فوری‌ترین نیاز کشور، بهره‌گیری حداکثری از راهبرد دیپلماسی اقتصادی - تجاری در سطح دولت و بخش خصوصی کشور و یافتن راه‌هایی برای کاهش ریسک‌های ناشی از تحریم و تأمین نیازمندی‌های اقتصادی کشور با بهره‌گیری از روابط دیرینه دو کشور باشد.

عدم قطعیت‌های پیش‌رو، لازم است رویکرد خود را با شرایط در حال تغییر تنظیم کنند.

درس‌هایی برای ایران

اقتصاد ایران در شرایط کنونی از کمترین سطح ادغام در اقتصاد جهانی برخوردار است و فارغ از اینکه عزم ورود و ادغام در اقتصاد جهانی را داشته یا نداشته باشد، لاقلاً برای بهبود فضای کسب و کار داخلی کشور نیازمند انجام اصلاحات اساسی در حوزه‌های اصلی اقتصاد و ایجاد فضای رقابتی است، نیازی که به وضوح در مطالبات بخش خصوصی از سیاست‌گذاران اقتصادی و تجاری کشور بیان می‌شود. متأسفانه ساختار تجاری سنتی کشور، وجود تحریم‌ها و روابط مالی و بانکی نامطمئن و غیر قابل پیش‌بینی هم‌اجازه‌پی‌ریزی روابط ساختار یافته با شرکای تجاری را نمی‌دهد. در حال حاضر، عمده‌ترین محورهای روابط اقتصادی ایران و چین فروش نفت، تأمین مالی برخی طرح‌های فولادی، پیمانکاری برخی پروژه‌های صنعتی توسط چینی‌ها، تعریف برخی پروژه‌های مشترک سرمایه‌گذاری در حوزه‌های صنعتی بین دو کشور و

جراید شده است، قوانین جدیدی برای بررسی دقیق جریان‌های فناوری، در حال ظهور است، حمایت‌گرایی روزبه‌روز در حال افزایش است و تنش‌های ژئوپلیتیکی افزایش می‌یابد. چین در سال ۲۰۱۴ به لحاظ اقتصادی و برابری قدرت خرید بزرگ‌ترین اقتصاد جهان شد. از نظر اسمی، تولید ناخالص داخلی اسمی چین در سال ۲۰۱۸ حدود ۶۶ درصد ایالات متحده بود و آن را به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل کرد.

در سال ۲۰۱۷ چین از نظر مشارکت در جریان کالا، خدمات، تأمین مالی، مردم و داده‌ها نهمین کشور متصل به جهان بود. در سال ۲۰۱۸، چین حدود ۱۶ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص داده است. با این حال، حرکت چین در مسیر جهانی شدن نابرابر بوده است. برای سنجش میزان ادغام این کشور با جهان، از هشت منظر به مقیاس جهانی و ادغام چین در اقتصاد جهانی پرداخته شده است (جدول یک).

بسته به شدت مشارکت اقتصاد چین و جهان، ارزش اقتصادی زیادی در معرض خطر و ریسک‌های مختلف، قرار می‌گیرد. لذا صاحبان کسب و کارها برای مدیریت

جدول شماره یک: میزان ادغام چین در اقتصاد جهانی

موضوع	میزان حضور فعلی چین در جهان	فاصله چین تا ادغام در اقتصاد جهانی
تجارت	- بزرگ‌ترین اقتصاد تجارت کالایی جهان از سال ۲۰۱۳ - در سال ۲۰۱۷ دارای ۱۱.۴ درصد تجارت جهانی کالا - تنها دارای ۶.۴ درصد از تجارت جهانی خدمات	- تنها دارای ۶.۴ درصد از تجارت جهانی خدمات
بنگاه	- دارای ۱۱ بنگاه معرفی شده از سوی مجله فور جون ۵۰۰ (برای امریکا ۱۲۶ بنگاه معرفی شده)	- صرفاً ۱۸ درصد این بنگاه‌ها در آمد خود را از خارج از مرزهای چین به دست می‌آورند.
سرمایه	- دومین مبدأ و مقصد سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی جهان (از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷) - دارای بزرگ‌ترین نظام بانکی، دومین بازار سهام و سومین بازار اوراق قرضه جهان	- جریان‌های بین‌المللی سرمایه (۳-۴ برابر کوچک‌تر از امریکا) و مشارکت خارجی محدود است (مالکیت خارجی در بازارهای بانکی، سهام و اوراق قرضه کمتر از ۱٪ است).
جابه‌جایی مردم	- بزرگ‌ترین جمعیت دانشجویان خارج از کشور (۱.۷۷ دانشجویان بین‌المللی دانشگاهی در سال ۲۰۱۷) و تعداد جهانگرد (در سال ۲۰۱۸، گردشگران چینی ۱۵۰ میلیون سفر خارج از کشور انجام داده‌اند که بیشترین تعداد در مقیاس جهانی محسوب می‌شود).	- جریان جابه‌جایی چینی‌ها هنوز از نظر جغرافیایی متمرکز است (۶۰٪ دانشجویان خارج از کشور چین به ایالات متحده، استرالیا و انگلستان می‌روند). - تنها دو دهم در صدا از کل مهاجران جهان به چین سرازیر می‌شوند.
فناوری	- دومین رتبه جهانی سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه پس از امریکا (۲۹۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸)	- وابستگی شدید به فناوری وارداتی (بیش از نیمی از قرار دادهای واردات فناوری فقط از سه کشور امریکا، ژاپن و آلمان انجام می‌شود) و همچنین در حوزه مالکیت فکری (۱۱٪ وابستگی چین شده است) (واردات مالکیت فکری چین شش برابر بیشتر از صادرات آن است).
داده (دیتا)	- دارای بزرگ‌ترین کاربران اینترنتی (بیش از ۸۰۰ میلیون نفر) و تولید داده در جهان	- جریان جابه‌جایی داده در سطح بین‌المللی بسیار محدود است (رتبه هشتم جهان و ۴۰ درصد جریان جابه‌جایی امریکا).
اثرات زیست محیطی	- تحقق ۴۵ درصد سرمایه‌گذاری در صنایع تجدیدپذیر جهان	- بزرگ‌ترین منبع تولید گازهای گلخانه‌ای و کربنی جهان (۲۸ درصد)
فرهنگ	- سرمایه‌گذاری عظیم در توسعه حضور فرهنگی جهانی (۱۲ درصد از ۵۰ فیلم برتر جهان در سال ۲۰۱۷ در چین به نمایش درآمده است در مقایسه با سهم ۲ درصد در سال ۲۰۱۰).	- دسترس فر هنگی هنوز نسبتاً محدود است (صادرات سریال‌های تلویزیونی چین یک سوم کره شمالی است).
لازم به توضیح است که با توجه به شیوع جهانی ویروس کرونا (کووید ۱۹) اکثر سازمان‌های بین‌المللی، کاهش قابل ملاحظه و چشمگیری را برای رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی نموده‌اند که به طور قطع کاهش تولید و تجارت کالایی در کشورهای که سهم عمده‌ای در اقتصاد جهانی دارند نظیر چین، امریکا و... تأثیر پذیری متقابل و شدیدی در این زمینه خواهند داشت.		